

دیبرکل روسی سازمان پیمان امنیت دسته جمعی: از افغانستان احساس خطر می کنیم



دیبرکل روسی سازمان پیمان امنیت دسته جمعی نسبت به وخامت اوضاع امنیتی افغانستان در یک سال آینده به ویژه پس از خروج نیروهای خارجی از کشور در سال ۲۰۱۴ هشدار داد. نیکولای باردیوژا دیبرکل سازمان پیمان امنیت دسته جمعی در کنفرانس بین المللی جوانب نظامی و سیاسی امنیت اروپایی در مسکو گفت: پیش بینی ما در باره اوضاع افغانستان منفی است و وضعیت این کشور ممکن است در رابطه با برنامه خروج نیروهای خارجی از افغانستان در سال ۲۰۱۴ متشنج تر شود. وی افزود: افغانستان همچنان از بحرانی ترین نقاط منطقه اوراسیا (جمهوری های شوروی سابق و برخی مناطق پیرامون آن) است.

دیبرکل سازمان پیمان امنیت دسته جمعی... ادامه صفحه ۶

چگونه انتحاریان به قلب کابل نفوذ می کنند؟



بی توجهی حکومت به
نیروهای کشفی و استخباراتی
شک و گمان هایی را به وجود می آورد
که حکومت شاید قصداً می خواهد این
بخش تقویت نگردد

صفحه ۶

بکتاش سیاوش:

آجندای ملی طرحی جامع برای رهایی از بحران و چالش های کنونی است



صفحه ۷

عمران خان چندی پیشی گفت: آقای کرزی دپورند را به رسمیت نمی شناسد؟! او نان و برقی را از امرپکاپی ها کدابی می کند، حالا می خواهد پک پخشی از پاکسخان را از خود بسازد که هم نان دارد، هم آب و هم برقی. عمران خان افزود: اگر کذا را بالا از خود بپنهانید، دعوای خدابی می کند. حالا ما کرزی را فرصت داده ایم و او دعوا دارد که خاک ما را بکپرد.
در کل، رهپس جمهور خلاهی دارد خودش را برانت خارپخی دهد. ولی ابزارهایی را که او برگزیده، ایژاری نهست که بخواند آقای کرزی را از وضعیت فعلی نجات دهد

هند فهرست آرزوهای کرزی را بر آورده می سازد؟



رییس جمهور کرزی در سفر اخیرش به هند، فهرستی از آرزوهای افغانستان برای کمک نظامی را تقدیم کرد. آیا هندوستان به این خواست های کرزی پاسخ مثبت می گوید؟
حامد کرزی در طول دوره ریاست جمهوری اش چندین بار از هندوستان دیدار کرده است. او آنجا یک مهمان قابل قدر است که هندی روان صحبت می کند، چون در زمان دانشجویی چند سالی را در این کشور به سر برده است.
دهلی جدید بزرگترین کمک کننده افغانستان در

منطقه است و تا به حال دو میلیارد دالر در پروژه های زیرساختی و بازسازی افغانستان سرمایه گذاری کرده است. در سال ۲۰۱۱ هندوستان و افغانستان یک سند مشارکت استراتژیک را امضا کردند. براساس این سند، هندوستان افسران افغان و نیروهای پولیس را آموزش می دهد.

مقام های هندوستان در مورد «فهرست آرزوهای» کرزی چیزی نگفته اند، اما پرناب موکرچی، رییس جمهور هند در دیدار با کرزی در دهلی جدید گفت: «هندوستان آماده است که کمک هایش را در نهادهای، آموزش و تجهیزات گسترش دهد، تا آن جایی که برای ما ممکن است.»

«فهرست آرزوهای» افغانستان

این بار خواست کرزی از هندوستان فراتر از کمک های بازسازی بود. کرزی صریحاً از حکومت هندوستان خواهان کمک نظامی شده است، تا جنگ علیه طالبان را پس از خروج اکثر نیروهای خارجی در سال ۲۰۱۴ ادامه داده بتواند.

کرزی در گفت و گو با خبرنگاران گفت: «ما یک فهرست از آرزوهای مان را...» ادامه صفحه ۶

در برگ ها



انتخابات
آینده
و بحث
اکثریت
ارزشی



روسیه:
حکومت
سوریه حاضر
به مذاکره
است



نگاهی گذرا
به فلسفه
چین و هند
باستان



نسبت میان
دین و اخلاق

احمد عمران

انتخابات آینده و بحث اکثریت ارزشی

و به قدر کافی هر کاری که دلش خواسته انجام داده است. حالا هم این خانواده بدون شرم و حیا از کارنامه ناکام و حتا بدنام بیش از یک دهه خود، به بهانه قانونی حق شهروندی، می‌خواهد وارد انتخابات شود و اگر بخت یار بود، باز هم قدرت را در اختیار داشته باشد. از اصل مسأله دور نشویم که قیوم کرزی که به وسیله برادر دیگرش محمود کرزی، به سمت انتخابات هل داده می‌شود، در زمان اعلام نامزدی خود، تا توانست از کارنامه حامد کرزی انتقاد کرد و دوران حکومت‌داری او راه دوران نابه‌سامان سیاسی برای افغانستان خواند. این است آشوب اصلی جامعه بحران‌زده که از بطن عدم مشروعیت سیاسی، قد برمی‌افرازد.

پس با این حساب، تصویب قانون انتخابات را با همه کاستی‌های آن باید به فال نیک گرفت و منتظر بود که در اسرع وقت، از فلتر سنا نیز بگذرد. اما این در حالی‌ست که هنوز دو مشکل دیگر انتخابات هم‌چنان پا برجاست. نخست، عدم توزیع کارت‌های شناسایی الکترونیکی که می‌توانست در برگزاری انتخابات شفاف، نقش کلیدی داشته باشد؛ و موضوع دوم، عدم حل معضله اعضای رهبری کمیسیون برگزاری انتخابات است که به گونه غیرقانونی به کار خود ادامه می‌دهند. اگر دولت اراده لازم برای برگزاری انتخابات می‌داشت، بدون شک این دو مسأله آن‌قدر بزرگ و دشوار نبود که نتوان راه‌حلی برای آن‌ها جست‌وجو کرد.

در این جای شک نیست که توزیع شناسنامه‌های برقی با رفع یکی دو اشکالی که این شناسنامه‌ها داشتند - و این اشکالات هم به صورت عمدی در آن‌ها لحاظ شده - برای برگزاری انتخابات عادلانه و شفاف، کمک موثری می‌توانست تلقی شود. از جانب دیگر، فکر نمی‌شود که در میان سی‌میلیون‌اندی جمعیت افغانستان، نتوان سه چهارم فرد معتمد و شایسته را جست‌وجو کرد که از عهده مدیریت انتخابات بیرون شوند.

این مسایل نشان می‌دهند که آقای کرزی از آغاز اراده برگزاری انتخابات را نداشته است و حالا هم زیر فشار افکار عمومی جامعه، مجبور شده که قانون انتخابات را به مجلس بفرستد. اما وظیفه مردم و نخبگان جامعه در این مقطع حساس، از همیشه سنگین‌تر و مهم‌تر است. حالا زمان آن فرا رسیده که مردم افغانستان و به ویژه نخبگان نگذارند که یک جناح خاص قدرت‌طلب دوباره به اهداف خود نایل شود و افغانستان را برای یک دوره دیگر به گروگان بگیرد. حالا زمان طرح‌های ملی کلان است که می‌تواند جامعه را از انقراض موجود سیاسی نجات بخشد.

یکی از راه‌حل‌های اساسی در انتخابات آینده، توجه به طرح «اکثریت ارزشی» است که می‌تواند پاسخ دقیقی در برابر طرح‌های قومی و تباری برای افغانستان مدرن و دموکراتیک آینده باشد. افغانستان زمانی به آرامش و امنیت کامل دست پیدا می‌کند که نخست از چنگ رهبران اقتدارگرا نجات پیدا یابد و دوم از محورهای تنگ قومی و زبانی که می‌تواند از ملت شدن مردم جلوگیری کند، بیرون شود. چنین امری فقط زمانی حاصل می‌گردد که ارزش‌محوری، بنیاد تصمیم‌گیری‌ها و روابط ملی را در کشور رقم زند

یکی از راه‌حل‌های اساسی در انتخابات آینده، توجه به طرح «اکثریت ارزشی» است که می‌تواند پاسخ دقیقی در برابر طرح‌های قومی و تباری برای افغانستان مدرن و دموکراتیک آینده باشد. افغانستان زمانی به آرامش و امنیت کامل دست پیدا می‌کند که نخست از چنگ رهبران اقتدارگرا نجات پیدا یابد و دوم از محورهای تنگ قومی و زبانی که می‌تواند از ملت شدن مردم جلوگیری کند، بیرون شود. چنین امری فقط زمانی حاصل می‌گردد که ارزش‌محوری، بنیاد تصمیم‌گیری‌ها و روابط ملی را در کشور رقم زند.



مشروعیت سیاسی شده است؛ از آن زمانی که آقای کرزی به حمایت برخی کشورهای متحد افغانستان، انتخاباتی توأم با تقلب و جعل را برگزار کرد و بدون داشتن رای لازم، سکان‌دار سیاست کشور برای پنج سال آینده شد. از همان زمان بحران عدم مشروعیت سیاسی در کشور به صورت محسوس به میان آمد و با گذشت هر روز، ابعاد تازه‌تری کسب کرد. در حال حاضر که دولت آقای کرزی به روزهای پایانی خود نزدیک شده، چنان تمام ساختارها دچار بلاتکلیفی و سراسیمه‌گی شده‌اند که به گفته یکی از مقام‌های بلندپایه دولت، همه‌گان به فکر این هستند که چه‌گونه جیب‌های خود را پر کنند و پیش از فرا رسیدن سال ۲۰۱۴، افغانستان را ترک گویند. به همین دلیل است که می‌بینیم بی‌اعتمادی و توطئه‌گری در ساختارهای نظام بیداد می‌کند و یکی دیگری را به چپاول و اختلاس از بیت‌العمال متهم می‌کند.

بدون شک آن روز دور نیست که همین نزدیکان آقای کرزی برای فرار از چنگ قانون، خود به افشاگران اصلی زدوینده‌های ده سال اخیر تبدیل شوند و چیزهایی را در مورد آقای کرزی رو کنند که در کتاب رکورد‌های جهانی هم نظیر آن‌ها را نتوان سراغ گرفت. تنها به یک مورد اشاره می‌کنم. چند روز پیش، قیوم کرزی برادر رئیس‌جمهور کرزی در قندهار از نامزدی خود در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده خبر داد. هرچند این

خبر پیش از وقت بود و از نظر قانونی می‌تواند اشکالات جدی داشته باشد، ولی کی به برادر رئیس‌جمهوری گفته می‌تواند که آقا بالای چشم‌تان ابروست. او به خود حق می‌دهد که قبل از اعلام رسمی ثبت‌نام نامزدان، به یک ولایت افغانستان برود و در آنجا اعلام کند که در انتخابات آینده نامزد است. و این در حالی‌ست که قدرت در طول دوازده سال گذشته، در میان این خانواده اسیر بوده است؛ به گونه‌ی که تمام اعضای خانواده آقای کرزی به اندازه خود در قدرت سیاسی سهم داشته‌اند. این خانواده به اندازه کافی از فرصت‌ها به نفع خود سود برده

قانون انتخابات برای بار دوم از سوی مجلس نماینده‌گان تصویب شد. قانونی در شانزده فصل و ۸۹ ماده. این قانون پس از جار و جنجال‌های فراوان میان حکومت و مجلس، سرانجام به نقطه پایان خود نزدیک شده است؛ هرچند هنوز مشخص نیست که در سنای کشور چه چیزهایی انتظار این قانون را می‌کشد و در مرحله نهایی، رئیس‌جمهوری حاضر می‌شود که آن را امضا کند و یا خیر.

انتخابات‌های گذشته با فرمان تقنینی رئیس‌جمهوری برگزار شدند و به همین دلیل هم با موجی از نارضایتی‌ها برخورد کردند. این بار به دلیل حساس بودن وضعیت کشور، باید قانون انتخابات به تصویب می‌رسید تا در پرتو آن، حداقل امیدوار بود که انتخاباتی با معیارهای قانونی برگزار می‌شود.

قانون فعلی که برآیند ماه‌ها تلاش و فعالیت نهادهای مختلف تقنینی، احزاب سیاسی، جامعه مدنی و کمیسیون برگزاری انتخابات است، چندان مورد استقبال گرم آقای کرزی رویه‌رو نشد. البته آقای کرزی نخواست که اصل مخالفت خود را با قانون انتخابات بروز دهد، ولی آن‌گونه که گفته می‌شود، او به برخی از نهادهای تحت فرمان خود دستور داده بود که در قانون مصوب شورای ملی مشکل‌آفرینی کنند و نگذارند که چنین قانونی به تصویب برسد.

شاید یکی از دلایل آقای کرزی برای مشکل‌تراشی و مشکل‌آفرینی برای قانون انتخابات این بوده باشد که زمینه برگزاری انتخابات در کشور منتفی شود. اما این تلاش‌ها هنوزم متوقف نشده و آقای کرزی سعی دارد که به هر شکل ممکن از برگزاری انتخابات در کشور جلوگیری کند؛ موضوعی که می‌تواند برای افغانستان پس از خروج نیروهای ناتو، بسیار سنگین و خطرناک تمام شود.

در حال حاضر، بخشی از مشکلات و بحران‌های جامعه به دلیل حضور نظامیان ناتو زیاد به چشم نمی‌آید و اوضاع امنیتی در موجودیت یک نظام غیرمشروع، به سمت وخامت کامل نمی‌رود؛ ولی اگر سربازان ناتو کشور را ترک کنند و مسأله مشروعیت نظام هم‌چنان به حال خود باقی بماند، بدون شک وضعیت بحرانی کشور به سمت درگیری‌های وسیع نظامی و بحران کامل امنیتی پیش خواهد رفت.

از مولفه‌های اصلی دولت - ملت‌ها در جهان معاصر، مشروعیت سیاسی نظام‌هاست. به میزانی که نظام‌ها از مشروعیت سیاسی بیشتری برخوردار باشند، به همان میزان نیز به ثبات، امنیت و توسعه اقتصادی و فرهنگی دست پیدا می‌کنند و هر قدر سطح مشروعیت نظام تنزیل می‌یابد، به همان نسبت بحران دامن جامعه را فرا می‌گیرد.

افغانستان از سال ۲۰۰۹ وارد چرخه عدم

سخن‌ماندگار

تصویب قانون انتخابات چرا و چه‌گونه؟

هفته قبل بود که رئیس‌جمهور کرزی تقاضایی را از مجلس نماینده‌گان مبنی بر تصویب قانون انتخابات مطرح کرد که در آن خواسته شده بود نماینده‌گان مردم هرچه زودتر بررسی و تصویب این قانون را در فهرست کارشان قرار دهند.

بلافاصله، روز چهارشنبه گذشته، قانون انتخابات با اکثریت آرا اما با تعدیلاتی در طرح پیشنهادی ریاست‌جمهوری، به تصویب رسید. این موضوع، با توجه به سیر سیاست‌های انفرادی آقای کرزی، از شرایط انتخابات و برنامه‌های جدید ایشان خبر می‌دهد.

در سه سال گذشته، همواره یکی از خواسته‌های همه‌گانی، تصویب قانون انتخابات بوده که بر بنیاد تحلیل‌ها، ارگ ریاست‌جمهوری با ایجاد اختلاف‌ها در مجلس نماینده‌گان، از تصویب آن جلوگیری می‌کرد. اما در هفته گذشته، ما نه تنها که شاهد تصویب این قانون با اکثریت آرا بودیم، بل درخواست رئیس‌جمهور و تأکید او مبنی بر تصویب این قانون را نیز ملاحظه کردیم.

اکنون پرسش این جاست که دلیل فراکنی‌های رئیس‌جمهور برای عدم تصویب این قانون آن‌هم در شرایطی که مواد آن خیلی قابل بحث و بررسی و فرصت بیشتری نیز مساعد بود، چه بوده است؟

تأملاتی در این باب نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور کرزی تا دیر زمانی به یک نتیجه قطعی پیرامون برگزاری انتخابات و یا عدم آن نرسیده بود. زیرا از یک‌سو دوره نامزدی سه‌باره او به لحاظ قانونی اشکال داشت و از سوی دیگر، او فرد مورد اعتماد خودش را که لیاقت به دست گرفتن قدرت را داشته باشد، نیافته بود.

اما گذشت زمان اندک‌اندک به جناب کرزی فهماند که انتخابات باید برگزار شود و دیگر شرایط این‌که انتخابات مصادره گردد و در پی آن، او بر کرسی قدرت باقی بماند، آماده نیست.

بنابراین، او خیال عدم برگزاری انتخابات را از سر بیرون کرد و در عین زمان، فرد مورد نظر خود را پیدا نمود. این شخص برادر جناب رئیس‌جمهور، آقای قیوم کرزی است که در چند روز گذشته، خلاف مقررات قانونی، رسانه‌ها از نامزدی او خبر داده‌اند. چنان‌که محمود کرزی برادر دیگر رئیس‌جمهور نیز این روزها مبارزات قبل از وقتش را برای معرفی آقای قیوم کرزی آغاز کرده است.

قانون انتخابات دقیقاً در حالی به تصویب می‌رسد که از یک‌سو نزدیک به یک ماه به معرفی نامزدان رسمی انتخابات باقی مانده و از سوی دیگر، ترس از فرا رسیدن ۲۰۱۴ و هم‌چنان نگرانی از ادامه دخالت‌های رئیس‌جمهور در عدم تصویب آن، شرایط را دشوارتر و بحرانی‌تر کرده است. چنان‌که این مسأله موجب شده که تب شتاب‌زده‌گی به جان نماینده‌گان مردم بیافتد و قانون انتخابات با دقت و بررسی کمتری، با اکثریت آرا به تصویب برسد.

با آن‌که نماینده‌گان مردم در مجلس، بخشی از پیشنهادهای حکومت را که در آن سعی شده بود زمینه تقلب و جعل‌کاری در انتخابات میسر گردد، رد کردند؛ اما هنوز به نظر می‌رسد که برخی از مواد قانون انتخابات می‌تواند به تحقق برنامه‌های پنهان حکومت کمک کنند. از جمله: اعلام برنده نهایی انتخابات از سوی کمیسیون انتخابات و قرنطینه صندوق‌های مشکوک در مراکز رأی‌دهی، که از جمله موارد اختلافی نیز بوده‌اند.

هم‌چنان در جریان تصویب این قانون در مجلس دیده شد که نماینده‌گان هم‌سو با حکومت، به‌سختی از طرح پیشنهادی آقای کرزی حمایت کردند که ادامه این چانه‌زنی‌ها در مجلس سنا، ممکن است تصویب این قانون را تا مدت‌های مدیدی معطل نگه دارد.

اکنون باید منتظر ماند تا مصوب این قانون منتشر گردد و بعد بتوان با ملاحظه دقیق آن، نقاط ضعف و زمینه‌ساز تقلب را پیدا کرد؛ اما با توجه به شرایط پیش‌آمده، می‌توان حدس زد که شتاب‌زده‌گی مجلس در تصویب این قانون، منجر به به‌جا ماندن بسا از مواد زمینه‌ساز تقلب در آن شده است.

اوباما از حملات هواپیماهای بی‌سرنشین دفاع کرد



بارک اوباما، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از حملات هواپیماهای بی‌سرنشین و کشتار هدفمند تروریست‌ها دفاع کرده و در عین‌زمان، از تلاش جدید برای مسدود کردن زندان گوانتانامو خبر داده است.

اوباما روز پنج‌شنبه در سخنرانی‌اش در دانشگاه دفاع ملی، تلاش کرد ماهیت و گستره تهدیدهای ناشی از تروریسم را که متوجه ایالات متحده است، بازتعریف کند.

او گفت: «نه من و نه هیچ‌یک از رهبران دولت دیگر می‌تواند شکست کامل تروریسم را وعده دهد. آنچه را که ما می‌توانیم و باید انجام دهیم، نابودی شبکه‌هایی است که تهدید مستقیم را متوجه (آمریکا) می‌کند؛ این احتمال را که گروه‌های دیگر بتوانند، امکان تثبیت موقعیت‌شان را پیدا کنند، کاهش دهیم. همه این‌ها را در حالی انجام می‌دهیم که آزادی‌ها و ایده‌آل‌هایی را که از آنها دفاع می‌کنیم، حفظ کنیم.»

بارک اوباما افزود که ملت ایالات متحده آمریکا هنوز تحت تهدید تروریسم قرار دارد و تهدیدها از آنچه در یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ اتفاق افتاد، تغییر کرده است.

دفاع از حملات هواپیماهای بی‌سرنشین

اوباما از حملات هواپیماهای بی‌سرنشین دفاع کرد و گفت که کشتار هدفمند با این روش هم قانونی است و هم موثر. او به تلفات ملکی که در این حملات بعضی وقت‌ها پیش می‌آید، اعتراف کرد و افزود که تلاش در کاهش آن دارد.

اوباما گفت، حملات هواپیماهای بی‌سرنشین بخشی از مبارزه با تروریسم است. به گفته او، پیش از اینگونه حملات باید، «اطمینان بالا وجود داشته باشد که هیچ فرد ملکی کشته یا زخمی نمی‌شود، و این بالاترین استاندارد است که می‌توانیم ایجاد کنیم.»

اوباما گفت، براساس رهنمود جدید ریاست جمهوری که روز چهارشنبه امضا شده است، وزارت دفاع رهبری عملیات هواپیماهای بی‌سرنشین را به عهده می‌گیرد. قبلاً اینگونه حملات توسط سازمان استخبارات مرکزی ایالات متحده (سی‌آی‌ای) انجام می‌شد. روز چهارشنبه واشنگتن به این نیز اعتراف کرد که چهار تن از شهروندان اش در عملیات هواپیماهای بی‌سرنشین کشته شده‌اند.

گوانتانامو

اوباما در این سخنرانی‌اش همچنان از گام‌هایی برای شکستن بن‌بست با کانگرس در مورد تلاش‌ها برای بستن زندان گوانتانامو در پایگاه نظامی در کیوبا خبر داد. قرار است وزارت دفاع آمریکا یک محکمه نظامی در مورد زندانیان گوانتانامو برگزار کند: «در موارد مقتضی، ما تروریست‌ها را در محاکم و سیستم عدالت نظامی به میز عدالت خواهیم کشاند.»

شماری از رهبران القاعده توسط حملات هواپیماهای بی‌سرنشین کشته شده‌اند. در حالی که حضور نظامی آمریکا در افغانستان کاهش می‌یابد، بارک اوباما واضح ساخت که حالا وقت تغییر پالیسی است: «فراتر از افغانستان، ما نباید تلاش‌های خود را «جنگ جهانی بی‌پایان با تروریسم» تعریف کنیم. بلکه به جای آن، باید به سلسله تلاش‌های پایدار و هدفمند برای نابودی شبکه‌های افراط‌گرایان خشنی بپردازیم که آمریکا را تهدید می‌کنند.»

دفاع اولاند از مداخله فرانسه در جنگ مالی

رئیس‌جمهوری فرانسه گفت: کشورش باید سخت‌تر با تروریست‌ها در آفریقا بجنگد.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، این اظهارات پس از دو حمله انتحاری در نیجر که ظاهراً افراطیون خشمگین از دخالت نظامی فرانسه در مالی آن را ترتیب داده بودند، صورت گرفت.

فرانسوا اولاند رئیس‌جمهوری فرانسه روز جمعه در یک سخنرانی گسترده در خصوص دکترین نظامی این کشور گفت: ما در مالی و اطراف آن خواهیم ماند زیرا هنوز کار تروریسم را یکسره نکرده‌ایم.

وی گفت: دو حمله روز پنجشنبه نیجر نشان می‌دهد که فرانسه باید به کشورهای آفریقایی‌یی که با چالش تروریسم مواجه هستند، کمک کند.



هشدار انگلیس نسبت به رکود در روند صلح خاورمیانه



وزیر خارجه انگلیس ضمن سفر به رام‌الله بر غیر قانونی بودن شهرک‌سازی‌های صهیونیست‌ها در اراضی فلسطینی تأکید و اعلام کرد: زمان برای اجرای راهکار تشکیل دو کشور است. به گزارش شبکه خبری اسکای نیوز عربی، ویلیام هیگ، وزیر خارجه انگلیس طی دیدار با محمود عباس، رئیس‌تشیکلات خودگردان فلسطین در رام‌الله به مقامات فلسطین و رژیم اسرائیل هشدار داد: در شرایط کنونی و در سایه رکودی که در مذاکرات صلح شاهد آن هستیم، احتمال دارد راهکار تشکیل دو کشور در مرزهای ۱۹۶۷ به طور کلی ملغی شود.

وی افزود: زمان آن فرا رسیده که عملیات اجرای طرح تشکیل دو کشور آغاز شود چرا که در حال حاضر ضرورت آن به شدت احساس می‌شود.

هیگ با تأکید بر همکاری انگلیس و آمریکا برای دستیابی به راهکاری در حل و فصل اختلافات موجود و برقراری صلح در منطقه خاورمیانه، از تلاش‌های جان کری، وزیر خارجه آمریکا در راستای احیای روند صلح استقبال کرده و خواهان طرحی عادانه و توافقی برای حل و فصل مساله آوارگان فلسطینی شد.

وزیر خارجه انگلیس با غیر قانونی خواندن شهرک‌سازی‌ها در اراضی فلسطینی، ادامه ساخت و سازهای صهیونیستی را منبع نگرانی خواند.

هیگ در ادامه بار دیگر بر پایبندی کشورش به تلاش برای بهبود اوضاع معیشتی ملت فلسطین تأکید کرده و از تعهد انگلیس برای ارائه بیش از نیم میلیارد دلار کمک مالی به تشکیلات خودگردان فلسطین ظرف چهار سال آینده خبر داد.

محمود عباس نیز به نوبه خود تأکید کرد: ساخت و سازها در کرانه باختری و حملات شهرک‌نشینان به مردم فلسطین مانعی بر سر راه صلح با اسرائیل است.

عباس علاوه بر این، وزیر خارجه انگلیس را در جریان آخرین اقدامات صورت گرفته در راستای پیشبرد روند صلح و تلاش‌های بین‌المللی برای احیای مذاکرات فلسطین با رژیم صهیونیستی قرار داد.

واکنش نامناسب دولت بریتانیا به بدرفتاری سربازان آن کشور در عراق

قضات بریتانیایی حکم داده‌اند که دولت بریتانیا نسبت به ادعاهای مطرح شده مبنی بر بدرفتاری سربازان آن کشور در عراق و دست داشتن آنها در قتل شهروندان عراقی واکنش کافی و مناسب از خود نشان نداده است.

وکلا مدافع ۱۸۰ شهروند عراقی خواستار آن شده بودند که تحقیقاتی کامل و علنی در خصوص این اتهامات در بریتانیا انجام بگیرد.

قضات رسیدگی‌کننده به این پرونده دستور قضایی مبنی بر انجام تحقیق و تفحص دارد نکردند اما رای دادند که دولت باید تحقیقات بیشتری در مورد اتهامات مطرح شده انجام دهد.

قضات دادگاه گفتند که دولت باید در انجام تحقیقات رویکردی تازه اتخاذ کند. اتهامات مطرح شده علیه سربازان بریتانیایی شامل سوء رفتار جنسی، محروم کردن بازداشت شدگان از آب، غذا، خواب و لباس، قرار دادن آنها در سلولهای انفرادی بطور طولانی مدت و اعدام‌های ساختگی است.

وزارت دفاع بریتانیا در واکنش به این اتهامات هیاتی را مسوول رسیدگی به این موارد کرد اما وکلای مدافع شهروندان عراقی شاکي، استقلال این هیات را زیر سوال بردند.

اگر چه قضات در لندن ادعای وکلا مدافع را رد کردند، اما در نهایت نتیجه گرفتند که بررسی‌های صورت گرفته توسط دولت بریتانیا با تعهدات آن طبق ماده دو معاهده حقوق بشر اروپا همخوانی ندارد.

این ماده بر لزوم تحقیق در مورد مرگ‌های مشکوک تأکید می‌کند. به دنبال صدور رای دادگاه، فیل شاینر از وکلای مدافع شاکیان عراقی گفت که موکلانش از تصمیم دادگاه استقبال می‌کنند.

اتهاماتی مشابه در مورد بدرفتاری سربازان بریتانیایی در عراق در گذشته هم مطرح شد و تا کنون دو بار در خصوص چنین اتهاماتی تحقیقات علنی صورت گرفته است.

این تحقیقات نخستین بار در مورد واقعه مرگ بهاء موسی انجام گرفت. آقای موسی کارمند ۲۶ ساله یک هتل در شهر بصره بود که در سپتامبر سال ۲۰۰۳ درحالی که تحت بازداشت نظامیان بریتانیایی بود، جان خود را از دست داد.

تحقیقات در مورد مرگ بهاء موسی نهایتاً در سال ۲۰۱۱ تکمیل شد و سر ویلیام گیج - سرپرست این تحقیقات اعلام کرد که وزارت دفاع به دلیل استفاده از روشهای ممنوع بازجویی در عراق بی‌کفایتی گسترده از خود نشان داده است.

روسیه:

حکومت سوریه حاضر به مذاکره است

از سوی دیگر، ترکیه از مخالفان مسلح بشار اسد حمایت می‌کند و نزدیک به ۴۰۰ هزار تن از سوری‌ها را در خاک خود پناه داده است.

ایجاد حوزه‌های امن

جنگ داخلی سوریه به فاجعه‌یی انسانی در این کشور تبدیل شده است. جنگی که منابع انسانی، ساختارهای شهری و آثار تاریخی این کشور را در سطحی وسیع نابود کرده است. ظرف دو سال نیم اخیر ۹۰ هزار نفر در این کشور کشته شده‌اند.

اتحادیه اروپا از جامعه جهانی خواسته است که کشورهای همسایه سوریه را برای پذیرفتن پناهنده‌گان یاری رساند. ۱/۵ میلیون آواره سوری در شرایطی فلاکت‌بار در کشورهای همسایه، یعنی در لبنان، عراق، ترکیه و اردن بسر می‌برند. وضعیتی که می‌تواند کل منطقه را بی‌ثبات کند.

اتحادیه اروپا هم‌چنین خواهان ایجاد حوزه‌های امن در مرز ترکیه و سوریه و در خاک سوریه شده است. کریستالینا گئورگیووا، کمیسر کمک‌های انسان‌دوستانه اتحادیه اروپا از جامعه جهانی خواسته است به تعهدات خود در قبال کمک به پناهندگان سوریه عمل کنند. او گفته است از ۱/۵ میلیارد دلار وعده داده شده، تنها نیمی تا کنون پرداخت شده است.

پیامد سنگین ارسال سلاح به مخالفان

گروه موسوم به «دوستان سوریه» متشکل از یازده کشور غربی و عربی، به اسد هشدار داده‌اند که اگر راه را برای یک راه‌حل سیاسی هموار نکند، حمایت از اپوزیسیون سوریه را قوی‌تر خواهند کرد.

هم‌زمان سازمان کمک‌رسانی آکسفام به اتحادیه اروپا نسبت به کاهش سختگیری در دادن سلاح به مخالفان هشدار داده است. آنا مکدونالد، کارشناس کنترل سلاح این سازمان روز جمعه تأکید کرد که ارسال سلاح به مخالفان حکومت سوریه پیامدهای سنگینی خواهد داشت.

به گفته او «هیچ راه‌حل ساده‌یی برای جلوگیری از خونریزی و جنگ وجود ندارد، اما ارسال سلاح نیز قطعاً کمکی نخواهد کرد.»



از این گذشته بشار اسد همواره تأکید کرده است که درباره رهبر سیاسی آتی سوریه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ تصمیم نهایی گرفته خواهد شد و تلاش‌های آمریکا و روسیه با هدف ترتیب دادن کنفرانسی جهانی برای حل مسالمت‌آمیز بحران در سوریه را «بی‌فایده» خوانده است.

موانع در مسیر صلح بسیارند و سدهایی که تلاش می‌شود در برابر جنگ کشیده شود، شکننده و ناچیز. ترکیه اعلام کرده که می‌خواهد در استان حنای، هم مرز با سوریه «دیوار امنیتی» بکشد. به گفته حیاتی یازیچی، وزیر بازرگانی ترکیه این دیوار به دوربین و سیم خاردار مجهز می‌شود تا جلوی نفوذ سوری‌ها به خاک ترکیه را بگیرد.

اشاره او به حمله‌یی است که روز ۱۱ می به شهر مرزی ریحانلی شد و انفجار دو موتور بمب‌گذاری شده در مقابل شهرداری و اداره پست آن‌جا ۵۱ کشته و ۱۴۰ نفر زخمی برجای گذاشت.

روسیه خبر داده است که حکومت سوریه موافقت اصولی خود را برای شرکت در کنفرانس صلح در ژنو اعلام کرده است. این کنفرانس نتیجه توافق آمریکا و روسیه برای رسیدن به راه‌حلی قابل قبول برای طرفین درگیر در جنگ داخلی سوریه است.

خبرگزاری رویترز به نقل از سخنگوی وزارت خارجه روسیه خبر از موافقت اصولی سوریه برای حضور در کنفرانس ژنو داده است. کنفرانس صلح سوریه قرار است ماه آینده برگزار شود و هدف آن رسیدن به یک دولت انتقالی است. حکومت سوریه گفته است که با شرکت در این کنفرانس می‌خواهد به راه‌حلی سیاسی دست یابد. تأکید سوریه بر «موافقت اصولی» هنوز تردیدهایی را باقی می‌گذارد که آیا نمایندگان اسد قطعاً پای میز مذاکره با مخالفان خواهند نشست؟ و اگر بنشینند، بر سر چه اصولی توافق خواهند کرد؟ به ویژه که تعیین نماینده‌گانی از اپوزیسیون برای شرکت در این نشست نیز دشواری دیگر بر سر راه مذاکرات است.

بخش نخست

نگاهی گذرا به فلسفه چین و هند باستان

بابک صحرانورد

"لایب نیتس" حق داشت که در سال ۱۶۹۷، برای چاره انحطاط اخلاقی اروپا، توجه به حکمت چینی را توصیه می‌کرد. عصر روشنگری اروپا به این حکمت اخلاقی که هدف آن سیاست و تربیت بود، علاقه بسیار نشان داد. اما آیا این فلسفه هم‌چون فلسفه بودا با مسایل زنده‌گی واقعی ارتباط دارد؟ آری؛ این فلسفه به شیوه‌های متعدد از مسایل انسانی ابهام‌زدایی می‌کند و در واقع، وقتی فرد در مواجهه با گزینش‌های زنده‌گی واقعی‌ست، ابهام‌زدایی امری مفید است. به عبارتی بهتر، فلسفه چین و هند جزو معهود فلسفه‌هایی هستند که بیشترین تمرکز خود را به دور از مسایل فنی فلسفه، بر روی انسان و هستی او گذاشته‌اند. اما تفاوت فلسفه چین با هند در این است که فلسفه چین، رنگ مذهب ندارد ولی ممزوج با دیانت است. همان‌طور که اشاره شد، در چین توجه به انسان جلب نظر می‌کند و به همین دلیل، فکر چینی کاملاً به طرف اخلاق و جلوه خارجی و عینی اشیا متوجه می‌شود.

نیست؛ زیرا برخی از شورترترین افراد جهان، مردمی تحصیل کرده و دانشمند بوده‌اند. (یادآور این شعر حافظ: تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری‌ست) او معتقد بود به کار بستن تاپو برای روشن فکر شدن نیست، بلکه برای ساده و نادان ماندن است. در یک کشور ایده‌آل، اختراعات معدود است؛ زیرا اختراع تنها بر ثروت توان‌گران و قدرت قدرت‌مندان می‌افزاید. در کشور ایده‌آل، قوانین مختصر و معدود اند؛ زیرا هر چه قوانین بیشتر باشد، دزدانی که آن قوانین را می‌شکنند، بیشتر اند. "لایوتسه" اساساً مرد انتقاد بود. حرف‌های پوچ و عقیده‌های بی‌مغز و بی‌معنی را با قضاوتی سخت و تند نابود می‌کرد. از تمدن عهد خود بیزار بود و خود را به آغوش آسایش‌بخش عرفان، تصوف و تفکر باطنی انداخته بود. تعلیم "لایوتسه" هدف حکمت و فلسفه را نیل به زنده‌گی معقول می‌شمرد و نیل به این مقصود را موقوف به درک مفهوم تاپو می‌پنداشت. این تاپو که او آن را "نظم کل" یا "نظام عالم" تلقی می‌کرد. ظاهراً قبل از لایوتسه هم حکمت چینی شناخته شده بود، ولی

ظاهراً قبل از لایوتسه هم حکمت چینی شناخته شده بود، ولی او اولین کسی بود که آن را مبنای یک تعلیم اخلاقی منظم ساخت و نوعی اخلاق رواقی از آن به وجود آورد که توانست صلح و آرامش را در بین انسان‌ها تضمین کند. تعلیمات او به نوعی شکاک و بدبینی نیز منجر شد که ندای بازگشت به طبیعت را در می‌داد و هم‌چون ژان ژاک روسو می‌خواست انسان را دوباره به دنیای جنگل برگرداند. بر طبق ادعای پال توییچل مروج اکنکار در دنیای معاصر، لایوتسه از جمله استادان معظم اکنکار نیز می‌باشد.



استادان حکمت چین

تنگ شی

در بین کهن‌ترین حکمای اخلاقی چین، نام "تنگ شی" به عنوان یک "سقراط" سوفسطایی دنیای شرق در خور ذکر است. وی در اوایل جوانی "کنفوسیوس" نوعی فلسفه سوفسطایی را مبنی بر نسبی بودن حقیقت، تعلیم می‌داد که بهانه‌ی به‌دست فرمائروایان داد تا او را نیز مثل "سقراط" از سر راه قدرت خویش دور کنند.

لایوتسه

استاد کهنسال حکمت چینی معاصر "تنگ شی لایوتسه" بود. او یک نسل قبل از کنفوسیوس بود. لایوتسه فلسفه تاپو (طریقت) را بنیاد نهاد و همه آثار مکتوب را رد کرد و معتقد بود دانش فضیلت

او اولین کسی بود که آن را مبنای یک تعلیم اخلاقی منظم ساخت و نوعی اخلاق رواقی از آن به وجود آورد که توانست صلح و آرامش را در بین انسان‌ها تضمین کند. تعلیمات او به نوعی شکاک و بدبینی نیز منجر شد که ندای بازگشت به طبیعت را در می‌داد و هم‌چون ژان ژاک روسو می‌خواست انسان را دوباره به دنیای جنگل برگرداند. بر طبق ادعای پال توییچل مروج اکنکار در دنیای معاصر، لایوتسه از جمله استادان معظم اکنکار نیز می‌باشد. چند جمله حکیمانه و زیبا از کتاب "تاپوت جنگ" نوشته لایوتسه:

هیچ چیز در این جهان

چون آب، نرم و انعطاف‌پذیر نیست. با این حال برای حل کردن آنچه سخت است چیز دیگری یارای مقابله با آب را ندارد.

نرمی بر سختی غلبه می‌کند و لطافت بر خشونت. همه این را می‌دانند ولی کمتر کسی به آن عمل می‌کند. انسان، نرم و لطیف زاده می‌شود و به هنگام مرگ خشک و سخت می‌شود. گیاهان هنگامی که سر از خاک بیرون می‌آورند، نرم و انعطاف‌پذیر اند و به هنگام مرگ خشک و شکننده. پس هر که سخت و خشک است مرگش نزدیک شده و هر که نرم و انعطاف‌پذیر سرشار از زنده‌گی‌ست.

آرام زنده‌گی کن

هرگز با طبیعت یا هم‌جنسان خود ستیزه مکن گزند را با مهربانی تلافی کن...



بخش نخست

دردهایی که معده ما را تهدید می‌کند

سوزش معده مساوی زخم معده نیست سوءهاضمه عبارتی کلی است و می‌تواند شامل درد معده، سوزش معده، تهوع، استفراغ و ریفلاکس باشد. سوءهاضمه علل مختلفی دارد که شایع‌ترین علت آن، سوءهاضمه بدون زخم (یا به اصطلاح Non-Ulcer dyspepsia یا Functional dyspepsia) است که ۶۰ درصد از موارد سوءهاضمه را شامل می‌شود. افراد مبتلا به این وضعیت، به آگروه تقسیم می‌شوند؛ یک عده افرادی هستند که به دلیل بالا بودن اسید معده، دچار درد و سوزش می‌شوند که برای درمان آن‌ها داروهای پایین آورنده اسید تجویز می‌شود. گروه دیگر افرادی هستند که به دلیل حساسیت بیش از حد گیرنده‌های معده و اختلالات حرکتی، هنگام صبح با حالت تهوع، استفراغ و نفخ بیدار می‌شوند که خانم‌های جوان بیشتر دچار این حالت می‌شوند. نتیجه آندوسکوپی این افراد، معمولاً طبیعی است و می‌توان با استفاده از داروهای پروکیتیک (داروهایی که اختلالات حرکتی معده را بهبود می‌بخشند)، این وضعیت را درمان کرد.

داروهایی که با معده سر سازگاری ندارند مصرف برخی از داروها می‌تواند در ایجاد یا تشدید سوءهاضمه تأثیرگذار باشد. در درجه اول می‌توان به آنتی بیوتیک‌ها اشاره کرد. برای مثال مصرف اریترومايسين معمولاً با درد معده همراه است. علاوه بر این، داروهای مسکن، قرص‌های ضدبارداری، برخی از داروهای قلبی و مصرف قرص‌های آهن یا کلسیم با شکم خالی می‌تواند بدون ایجاد زخم، باعث سوءهاضمه شود. هم‌چنین بارداری یکی از مواردی است که سوزش یا ریفلاکس معده را تشدید می‌کند. از یک سو، افزایش فشار شکم در بارداری باعث باز ماندن دریچه بین مری و معده می‌شود و از سوی دیگر، افزایش ترشح هورمون پروژسترون هم باعث شل شدن این دریچه می‌شود. این درد ریفلاکس است نه سکنه قلبی!

علایم زخم معده و ریفلاکس (برگشت غذا و اسید به مری یا همان سوزش پشت قفسه سینه) با یکدیگر شباهت زیادی دارند و این باعث شده که بسیاری از افراد در تشخیص این دو حالت از هم سرگردان شوند. نخستین و مهم‌ترین علامت هر دوی آن‌ها، سوزش و درد معده است. تحقیقات نشان داده که از هر ۵ نفر، یک نفر حداقل به‌صورت هفته‌گی از سوءهاضمه و سوزش معده رنج می‌برد. این دردها می‌توانند زنده‌گی روزانه را مختل کنند و بی‌توجهی به آن ممکن است باعث مشکلات جدی و خطرناکی شود

یکی از دلایل شایع سوزش معده، ریفلاکس است. ریفلاکس بر اثر شل شدن دریچه بین معده و مری ایجاد می‌شود که این شل شدن دریچه، باعث ورود اسید معده از معده به داخل مری می‌شود. این اسید باعث می‌شود فرد دائماً احساس سوزش کند. حتی ممکن است ریفلاکس با درد قلبی اشتباه گرفته شود. بسیاری از مواقع بیمارانی که ریفلاکس دارند، به‌علت درد شدید پشت جناغ سینه در ICU بستری می‌شوند و زمانی که پزشک قلب، تست ورزش انجام می‌دهد یا از آنژیوگرافی و اسکن قلبی استفاده می‌کند، متوجه می‌شود که فرد مشکل قلبی ندارد.

بخش نخست

نسبت میان دین و اخلاق چیست؟ آیا دین و اخلاق عین همدیگرند یا غیر همدیگر؟ اگر دین و اخلاق عین همدیگرند و فقط در کلمات با هم فرق دارند، پس اخلاق و دین در مفهوم و مصداق مترادف‌اند و اخلاق غیر دینی وجود ندارد. و اما اگر دین و اخلاق غیر همدیگرند، این غیریت چه‌گونه قابل توضیح و دفاع است؟ آیا اخلاق و دین با هم سازگارند یا ناسازگار؟ اگر دین و اخلاق سازگارند، وجوه مشترکشان کدام‌ها اند، و اگر ناسازگارند، وجوه افتراقی آن‌ها چیست؟

این‌ها از زمرهٔ پرسش‌های بحث‌برانگیز و جدی استند که ذهن فیلسوفان دین را به خود مشغول کرده و رویکردهای متفاوتی را در پی داشته است.

کسانی خواسته‌اند اخلاق منهای دین را عرضه کنند و به اخلاق، استقلالیت قابل شوند. کسانی هم ارزش‌های اخلاقی را امری مولود ضعفاء پنداشته و آن را از مواصفات برده‌گان خوانده‌اند. فیلسوفانی هم اخلاق یا عقل عملی را به تعبیر کانت، مرتب و متکی بر دین دانسته و نقش دین را حداقل در حوزهٔ اخلاق، تعیین‌کننده می‌دانند.

آنچه در این میان بدیهی می‌نماید، همانا دیالوگ مستمر و پردامنهٔ تاریخی میان اخلاق و دین است. به گواهی تاریخ ادیان، دین نقش پیمایش‌ناپذیری بر ارزش‌های اخلاقی داشته و حتا در مواقعی، موسس یک رشته ارزش‌های اخلاقی نیز بوده است.

یکی از پرسش‌های بنیادینی که امروزه دین‌داران با آن مواجه‌اند، همانا تبیین عقلانی دین و اخلاق و چه‌گونه‌گی نسبت میان آن‌هاست. بدون تردید، این پرسش خود همانند انبوه پرسش‌های دیگری است که از بیرون وارد حوزه‌های دینی شده و دین‌داران از روزنه‌های مختلفی به آن نگرسته‌اند.

تحدید مفهومی اخلاق و دین:

اخلاق و دین از زمرهٔ واژه‌هایی‌اند که عمدتاً با خوانش‌های گوناگونی همراه بوده‌اند و از هر یک از این دو مقوله، قرائت‌های عرفی متفاوتی وجود دارد. چنان‌که دین گاهی به صورت خاص بر ادیان الهی و به شکل اخص بر دین مقدس اسلام اطلاق می‌شود و اخلاق نیز فقط بر آنچه که از آن به فضایل اخلاقی تعبیر می‌شود، اطلاق می‌گردد و رذایل اخلاقی مانند: دروغ گفتن، تعهدشکنی، ظلم و غیره به گونهٔ ساده‌اندیشانه، اعمال غیراخلاقی تلقی می‌شوند. حال آن‌که مصادیق واژهٔ اخلاق به مراتب فره‌تر است و می‌تواند در بطن خودش، فضایل و رذایل اخلاقی، هر دو را بگنجانند.

به هر حال، منظور از پسوند اخلاقی در این نوشتار، همانا اخلاق به معنای فضایل و رذایل اخلاقی است و منظور از دین هم همانا دین به معنای اخص کلمه یعنی دین مقدس اسلام است. چه تبیین نسبت اخلاق و دین به معنای اعم، مجالی بیشتر و فرصتی فراخ‌تر می‌طلبد.



نسبت میان

دینی و اخلاق

اما بر هر دو تعریف، نقدها و نظرهایی وارد است که مختصراً به آن می‌پردازیم:

چه بسا اتفاق می‌افتد که فعلی، هدف آن غیر است اما فعل اخلاقی نیست. مثلاً: احساسات مادرانه که اختصاص به انسان هم ندارد و در حیوان هم است، آیا فعل اخلاقی است یا طبیعی؟ در این‌جا فداکاری‌های مادرانه که به انسان اختصاص ندارد، غایتش خودش نیست بلکه غیر است و ناشی از احساسات نوع‌دوستانه هم هست، اما نمی‌توان آن را عمل اخلاقی نامید؛ چون مادر بر حسب فطرت چنین کاری را انجام می‌دهد و با همین خوی فطری به دنیا آمده است و غریزهٔ طبیعی وی به حساب می‌آید.

دیدگاه کانت:

ایمانویل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) از جمله فلاسفه‌ی بی‌سوی که در اواخر قرن هیجدهم میلادی می‌زیسته؛ عصری که به‌نام عصر روشن‌گری نامیده شده و خود کانت

انسان به حیث انسان، به یک‌چنین اعمالی متوسل می‌گردد. خوردن وقتی انسان گرسنه است، نوشیدن وقتی انسان تشنه است، خوابیدن وقتی انسان کسل باشد؛ از زمرهٔ افعال طبیعی انسان شمرده می‌شوند. اما فعل اخلاقی بر مقتضای طبیعت انسان انجام نمی‌شود، بل با اختیار و ارادهٔ انسان شکل می‌گیرد.

سخنی از داستایفسکی (۱۸۲۱-۱۸۸۱) نویسندهٔ معروف روسی در باب اخلاق درخور تأمل است. وی می‌گوید: «اگر خدا نباشد، همه چیز جایز است.» یعنی، یگانه معیار برای این‌که انسان برای خودش «باید» و «نباید» داشته باشد که این کار خوب است و آن کار بد است، این کار را باید کرد و آن کار را نباید کرد؛ همانا کارکرد دین است.

حالا در رابطه به این‌که معیار فعل اخلاقی چیست؟ برخی‌ها گفته‌اند که معیار فعل اخلاقی این است که هدف غیر باشد، یعنی هدف خود انسان نباشد و هر عملی که هدف آن خود انسان نباشد بلکه غیرخودش

چه بسا اتفاق می‌افتد که فعلی، هدف آن غیر است اما فعل اخلاقی نیست. مثلاً: احساسات مادرانه که اختصاص به انسان هم ندارد و در حیوان هم است، آیا فعل اخلاقی است یا طبیعی؟ در این‌جا فداکاری‌های مادرانه که به انسان اختصاص ندارد، غایتش خودش نیست بلکه غیر است و ناشی از احساسات نوع‌دوستانه هم هست، اما نمی‌توان آن را عمل اخلاقی نامید؛ چون مادر بر حسب فطرت چنین کاری را انجام می‌دهد و با همین خوی فطری به دنیا آمده است و غریزهٔ طبیعی وی به حساب می‌آید

نیز به یکی از برجسته‌ترین پیش‌قراولان روشن‌گری تبدیل شده است. سخن معروف ایمانوئل کانت در «روشن‌گری چیست»، به عنوان شعار روشن‌گری و بذر مدرنیته شناخته می‌شود: «روشن‌گری یعنی خروج از صباوت به تقصیر خویشتن... شجاعت اندیشیدن داشته باش.»

احمد تابعی قرن هیجدهم را چنین توصیف می‌کند: «سدهٔ هجدهم، دورهٔ روشن‌گری و عصر تاج‌گذاری عقل مدرن بود. عصری که تمام فعالیت‌های انسان به زیر سیطرهٔ عقل یا «من نقدکنندهٔ دکارتی» درآمد و تمام ابزارها و منابع دیگر دانش، مشروعیت خود را در برابر آن از دست دادند. عقل، معیار هستی شد و این باور رشد کرد که عقلانیت علمی، آخرین نسخهٔ فهم جهان است و هیچ چیز به ارزش و توان آن نخواهد

و انسان‌های دیگر باشد، آن فعل اخلاقی است. این تعریف، فعل اخلاقی را به غایت آن تعریف کرده است. تعریف یا به علل داخلی یعنی جنس و فصل (ماده و صورت) صورت می‌گیرد یا به علل خارجی. تعریف به علل خارجی، همانا تعریف شیء به علت غایی و علت فاعلی را شامل می‌گردد. بنا بر آنچه گفته آمدیم، این تعریف بر مبنای علت غایی صورت گرفته و فعل اخلاقی را به هدف و غایت آن تعریف کرده است.

گروهی گفته‌اند معیار فعل اخلاقی آن است که ناشی از احساسات نوع‌دوستانه باشد. اینان فعل اخلاقی را به علت فاعلی آن تعریف کرده‌اند و عمل را زمانی اخلاقی می‌پندارند که ناشی از احساسات نوع‌دوستانه باشد.

نیازمندی اخلاق به دین:

نیازمندی اخلاق را به دین می‌توان در دو حوزهٔ نظر و عمل توضیح داد. چنان‌که اخلاق در تعریف مفاهیم اخلاقی و صدق گزاره‌های اخلاقی در حوزهٔ نظر؛ و در کشف گزاره‌های اخلاقی (مقام ثبوت) و تحقق عملی (مقام اثبات) در حوزهٔ عمل نیازمند است.

از این میان، بحث روی نیازمندی اخلاق به دین در حوزهٔ تصدیق و تحقق عملی بااهمیت‌تر است، که به هر یک از آن‌ها جداگانه می‌پردازیم:

نیازمندی اخلاقی به دین در صدق گزاره‌ها:

فعل اخلاقی، معمولاً در برابر فعل طبیعی قرار می‌گیرد و در تقابل با آن تعریف می‌شود. توضیح این‌که: فعل طبیعی به مقتضای طبیعت انسان صورت می‌گیرد و

رسید.» کانت در یک‌چنین فضایی که همه‌چیز با محک عقل سنجیده می‌شد و حتا اعتقادات دینی هم در صورت عدم معقولیت، پذیرفتنی نبودند؛ دست‌کم دین را در حوزهٔ اخلاقیات، عاملی تعیین‌کننده می‌دانست و خداوند جل‌مجده را نیز از طریق براهین اخلاقی اثبات می‌کرد که این خود بر جایگاه دین و نقش آن در حوزهٔ اخلاق، تأکید می‌کند.

کانت از آن‌هایی‌ست که ایمان را به ضمیر نسبت می‌دهند و بر براهین عقلی که از ظاهر طبیعت استنباط می‌شود، اعتمادی ندارند. ما از طرح براهین اخلاقی کانت در این نوشتار صرف‌نظر می‌کنیم.

صلاح‌الدین سلجوقی می‌نویسد:

«مردم خیال می‌کنند کانت فیلسوف آلمانی، اولین کسی است که ضمیر را در سلوک و معاملات بشر اهمیت داده است. ایشان خبر ندارند که تقریباً چهارده قرن پیش از این، قرآن مجید اولین و آخرین کتاب آسمانی است که نیت و عمل و ضمیر و عقل و اخلاق و حقوق را با هم جمع نموده و از آن جمله در سورهٔ مبارکهٔ «والشمس» بعد از آن‌که مظاهر و خاصیت‌های دنیای طبیعت را به یک اسلوب معجز بیان تصویر می‌فرماید و صفات ذاتی اجزای کون را از قبیل مهر و ماه، روز و شب و آسمان و زمین به‌طور جامع و مانع بیان می‌کند، در مقابل همهٔ این‌ها نفسی «خودی‌یی» را یاد می‌کند که به راست‌کاری و پرهیزگاری و هم به کج‌رفتاری و بزه‌کاری خود الهام می‌شود. آری این نفس است که این امتیاز را یافته است و همین ممیزه است که زمام اراده را به‌دست اختیار و انتخاب اخلاقی شخص انسان می‌گذارد و همین چیز است که بار امانت را بر دوش می‌گیرد.

اراده که جرثومهٔ اولی خود را در نبات یافته بود، کمال خود را در انسان سراغ می‌کند. زیرا انسان است که خدا او را به این برگزیده که به خیر و شر و تقوی و فجور خود از طرف او تعالی الهام شود. حیات، مولودی است که طفولیت آن در نبات و کودکی آن در حیوان و رشد و بلوغ آن در انسان مشاهده می‌شود و ما نیز زمانی به فرزندان و موجوداتی که زیر حضانت ما است، آزادی اراده و اختیار می‌دهیم که به ما ثابت شود که آن‌ها به خیر و شر خود می‌دانند. پس بدون هیچ شک و اندیشه، تمیز و مخصوصاً تمیز خیر و شر و فرق مابین تقوی و فجور شعوری است مخصوص نوع انسان.»

اگر از رهگذر قرآن کریم به کاوش موضوع بپردازیم، درمی‌یابیم که خداوند جل‌مجده در سورهٔ والشمس می‌فرماید: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (سورهٔ والشمس: آیات ۷-۸)، که بعد از تسویهٔ نفس، خوب و زشت را به وی الهام کردیم، که این آیه مبارکه می‌تواند موبد، بلکه موسس نظریاتی باشد که اخلاق را از مقولهٔ تکلیف وجدانی می‌داند و نقش ضمیر را در تفکیک میان خیر و شر، تعیین‌کننده تلقی می‌کنند.

روایتی هم داریم که در کتب معتبر حدیث آمده است که وابصه به نزد پیامبر بزرگوار اسلام صل‌الله علیه و سلم آمده و از آن‌حضرت صل‌الله علیه و سلم در رابطه به اثم می‌پرسد. پیامبر اسلام صل‌الله علیه و سلم با دو انگشت به سینهٔ وی زدند و فرمودند: «یا وابصه استفت قلبک واستفت نفسک ثلاث مرات... الخ. از این روایت نیز می‌توان به گونه‌ی معیار فعل اخلاقی را ضمیر انسان معرفی کرد و تکلیف وجدانی را باعث التزام به احکام اخلاقی دانست.

با کمی مذاقه روی آیت و روایت فوق می‌توان پی برد که هم خداوند جل‌مجده و هم رسول گرامی وی، ارزش‌های اخلاقی را ودیعهٔ الهی در ضمیر انسان‌ها توصیف کرده که از آن می‌توان به همزاد بودن انسان و ارزش‌های انسانی استناد کرد.

پیامبر بزرگوار اسلام صل‌الله علیه و سلم در روایتی چشم‌انداز نهایی بعثت را تصویر می‌کند و در یک ترسیم کلی، اتمام ارزش‌های اخلاقی را طرح نهایی نبوت خویش می‌خواند: «بعثت لأتمم مکارم الأخلاق.» ترجمه: برگزیده شدم تا خوبی‌های اخلاق را تمام نمایم. این روایت اشاره دارد بر این‌که دین موسس ارزش‌های اخلاقی نیست، بلکه متمم و مکمل ارزش‌های اخلاقی است. توضیح این‌که: منشای ارزش‌ها و احکام اخلاقی، فطرت انسان است و انسان به حکم فطرت، موجودی اخلاق‌مدار است. اما دین عامل بیرونی‌ست که با آن می‌توان به اتمام این ارزش‌ها در حوزهٔ تحقق نایل شد؛ هرچند ممکن است در نبود دین، ارزش‌های اخلاقی وجود داشته باشد اما به صورت ناقص و بدوی.



چگونه انتحاریان به قلب کابل نفوذ می کنند؟

هفته گذشته هر روز یک حمله انتحاری و انفجاری در کشور صورت گرفت و دیروز گروهی از انتحاریان بر قلب شهر کابل حمله کرده و ساعت‌ها با نیروهای امنیتی جنگیدند.

این حملات حوالی ساعت چهار عصر به وقت کابل آغاز شد و نخستین انفجار در نزدیکی یکی از ساختمان‌های مربوط به وزارت داخله رخ داد.

زایشگاه ملالی، شفاخانهٔ مربوط به امنیت ملی و دفتر سازمان بین‌المللی مهاجرت سازمان ملل (IOM) نیز در نزدیکی محل انفجار هستند.

نبرد میان نیروهای امنیتی و انتحارکننده‌گان تا ساعت ۹ شب گذشته هم ادامه داشت.

مسوولان امنیتی می‌گویند که مهاجمان انتحاری پنج تن بوده‌اند که یک تن آن‌ها نخست خود را منجر کرده و دو تن آن‌ها در همان آغاز از سوی نیروهای امنیتی کشته شدند، دو انتحاری دیگر که در یک ساختمان سنگر گرفته بودند، تا ساعت‌ها با نیروهای امنیتی درگیر بودند. جنرال محمد ایوب سالنگی، فرمانده پولیس کابل گفته است که این حملات هماهنگ و سازماندهی شده‌اند.

جنرال سالنگی همچنان گفته است که دو تن از مهاجمان کشته شده و دو تن دیگر از آنان هنوز با نیروهای امنیتی درگیر هستند.

از تلفات این حملات گزارش دقیقی در دست نیست. طالبان مسوولیت این حملات را به عهده گرفته‌اند.

چگونه طالبان بر قلب کابل نفوذ می کنند؟

آگاهان نظامی می‌گویند که به دلیل «ضعف نیروهای کشفی و استخباراتی» طالبان نقاط مهم کابل را آماج قرار می‌دهند.

جنرال امرالله امان آگاه نظامی می‌گوید که این حملات ناشی از ضعف نیروهای کشفی و استخباراتی است و حکومت هم توجهی به سرمایه‌گذاری در این بخش ندارد.

به گفتهٔ جنرال امان، همان‌طوری که نیروهای پولیس و ارتش از آموزش و تجهیزات کافی برخوردار نشده‌اند، در بخش کشفی و استخباراتی نیز کاری صورت نگرفته است؛ به همین دلیل، بخش استخباراتی و کشفی دولت از پای افتیده است.

این جنرال متقاعد می‌گوید که بی‌توجهی حکومت به نیروهای کشفی و استخباراتی شک‌وگمان‌هایی را به وجود می‌آورد که حکومت شاید قصداً می‌خواهد این بخش تقویت نگردد.

او گفت: «من یقین کامل دارم، اگر بخش استخباراتی و کشفی درست تجهیز و آموزش داده شود و افراد مسلکی‌بی‌که به بهانه‌های مختلف از این دو بخش اخراج شدند، دوباره به کار گماشته شوند، جلو حملات انتحاری و انفجاری گرفته خواهد شد.»

به گفتهٔ جنرال امان، به دلیل ضعف و ناتوانی حکومت، ۲۵ هزار طالب مسلح در سال ۲۰۰۲، اکنون در سال ۲۰۱۳، به صدها هزار تن رسیده است.

او تصریح کرد: نیروهای خارجی در چند سال اخیر همواره بر مسألهٔ خروج‌شان تأکید کرده‌اند و این را به یک شعار و تبلیغات تبدیل کردند، طالبان از این تبلیغات نیروهای خارجی استفاده کرده و به مردم روستاها گفته‌اند که خارجی‌ها شکست خورده و خارج می‌شوند و ما دوباره در سال ۲۰۱۴ به قدرت می‌رسیم؛ در حقیقت دستگاه استخباراتی طالبان از این وضعیت بسیار استفاده کردند.

حمایت نهادهای مدنی از اعتصاب دانشجویان در کابل

بلکه تمام نهادهای تحصیلات عالی و دانشگاه‌های افغانستان به نحوی نیاز به اصلاحات دارند. در همین حال سیداکرام از اعضای هیات اداری مجلس نمایندگان افغانستان به بی‌بی‌سی گفته است که مجلس نمایندگان هیاتی را برای بررسی ادعاهای دانشجویان موظف کرده است. آقای اکرام گفته است که او عضویت این کمیسیون را دارد و شکایات دانشجویان را با وزیر تحصیلات عالی در میان گذاشته‌اند. این عضو مجلس از قول مسوولان وزارت تحصیلات عالی گفته است که ادعاهای دانشجویان را بررسی خواهند کرد.

شورای ملی افغانستان اعتصاب غذایی خود را به دلیل آنچه «ضعف علمی، مدیریتی و اخلاقی» مسوولان این دانشکده می‌خوانند، آغاز کردند.

گزارش شده است که نزدیک به بیست دانشجو تاکنون به دلیل اعتصاب غذایی راهی بیمارستان شده‌اند. تعداد زیادی از دختران دانشجو هم با تجمع در برابر شورای ملی افغانستان از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی حمایت کرده‌اند.

آقای ستانکزی که به نماینده‌گی از تعدادی از نهادهای مدنی صحبت می‌کرد همچنین گفت که مشکلات تنها در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه کابل خلاصه نمی‌شود

از افغانستان احساس...

گفت: کشورهای عضو این سازمان مجاور افغانستان هستند و از این کشور احساس خطر می‌کنند.

وی از جمله تهدیدهای ناشی از افغانستان به قاچاق گستردهٔ مواد مخدر، تهدید حملات گروه‌های مسلح، آموزش تروریست‌ها در مراکز و اردوگاه‌های افراط‌گرایان و ادامه قاچاق سلاح از این کشور اشاره کرد و افزود: اینها تمام مسائلی نیست که در رابطه با کشور افغانستان با آن مواجه هستیم.

وی پیش بینی کرد که اختلافات و تشنج‌های داخلی در یک سال آینده در افغانستان به ویژه در جریان کارزار انتخابات ریاست جمهوری این کشور تشدید شود.

روسیه در ماه‌های اخیر نسبت به امکان تشدید ناآرامی‌ها و زدوخوردهای داخلی در افغانستان با توجه به برنامه خروج نیروهای خارجی از این کشور در سال آینده ابراز نگرانی کرده است.

زایشگاه

یکی از داکتران شفاخانهٔ رابعهٔ بلخی می‌گوید: بیماران زایشگاه ملالی همه از ترس و وحشتی که در آن‌جا مستولی گردیده، بسترهای خود را ترک کرده و به روی سرک هجوم آورده‌اند.

او گفت: شماری زیادی از مریضان به شفاخانهٔ رابعه بلخی منتقل گردیده‌اند و در این شفاخانه بالای هر بستر به تعداد ۳ الی ۴ مریض بستری می‌باشند. چون بخش نسایی ولادی دیگر گنجایش بیشتر مریضان را ندارد.

به گفتهٔ او، بیماران حکایت‌های تلخی از محل رویداد و از شفاخانهٔ زایشگاه دارند؛ هنگام شروع درگیری شماری از مریضان بالای میز عملیات بودند و یک تعداد دیگر هم، تازه از عملیات بیرون شده بودند.

این داکتر شفاخانهٔ رابعهٔ بلخی به نقل از یک شاهد عینی می‌گوید: «خانمی را دیده که در روی سرک در نزدیکی شفاخانه طفل اش را ولادت داده است.»

فیسوبوک

یکی از کاربران فیسوبوک نوشته است: «عجب مردمی هستیم ما!

درگیری خیلی شدید میان مهاجمان جریان دارد.

در فاصلهٔ چهار صد متری شرق محل رویداد، ملت دارند داخل پارک شهر نو بی‌خیال فوتبال بازی می‌کنند. کمی آن‌سوتر کبوتر بازی بی‌خیال صدای تیراندازی، بر پشت بام مشغول پراندن کبوترانش است و در فاصلهٔ دوصد متری غرب محل رویداد، پیر و جوان بر روی پشت‌بمی در حال تماشای صحنه‌های اکشن واقعی هستند.

اینجا افغانستان است، زمین هم که به آسمان بخورد، مردم زنده‌گی می‌کنند. مثل همیشه. خیلی عادی!»

روسیه باید به مرز تاجیکستان...

هم‌مرز با افغانستان اولویت قابل است.

وی با اشاره به این که روسیه باید در مرز تاجیکستان و افغانستان حضور داشته باشد، عنوان کرد که وقتی مرزبانان روسیه به شکل واقعی در مرز تاجیکستان با افغانستان حضور داشته باشند، وضعیت بهتر خواهد بود.

سفیر روسیه در افغانستان افزود: حضور مرزبانان روسیه در مرزهای تاجیکستان و افغانستان، به نفع روسیه، تاجیکستان و حتی افغانستان است.

با این حال، کارشناسان معتقدند که تاجیکستان پس از ۲۰ سال استقلال حاضر نخواهد شد که حضور مرزبانان خارجی در مرزهای خود را تحمل کند.

آنان معتقدند روسیه بدون آن که در مرزهای تاجیکستان حضور داشته باشد، می‌تواند با ارایه کمک به توان نظامی و مرزبانی این تاجیکستان، از افراط‌گرایی و قاچاق مواد مخدر جلوگیری کند.

نتیجهٔ وعده‌های تان...

کی بودند و فعلاً کجا هستند؟

۴. والی تخار بارها ادعا کرده بود که اگر افراد مشخصی گرفته شوند، قضیه روشن می‌گردد. آن افراد کی‌ها بودند و چرا گرفتار نشدند؟ در کل چرا مکان جلسه از ساختمان پی.آر.تی به مقام ولایت تغییر کرد؟ چرا پس از حادثه، هیچ‌کدام از فرماندان ولایت، محافظین ساختمان مقام ولایت به‌شمول شخص والی و معاون والی، به‌خاطر غفلت‌شان مورد پرسش قرار نگرفتند؟

۵. چه‌گونه قطعهٔ اردوی ملی که برای جلوگیری از مظاهره و ناامنی در ساختمان ولایت از قبل جابه‌جا شده بود، نسبت به این موضوع بی‌خبر ماند؟ چه‌گونه بعضی مقام‌های دیگر دولتی که در این جلسه حاضر بودند، از این حادثه جان سالم به‌در بردند؟

۶. در نهایت، چرا از مظاهره‌چیان به‌خاطر خواست‌های شخصی‌شان که دفتر و وسایط قوماندانی امنیه را سوختاندند، زمینهٔ کشته شدن ۱۲ نفر آدم بی‌گناه را مساعد کردند و با شعار برکناری این مقامات، فضا را متشنج و برای وقوع حادثه مساعد کردند، هیچ پرسشی به عمل نیامد؟

به گفتهٔ کریم، اگر هند در این زمینه پا پیش بگذارد، باید «پیامدهای منطقه‌یی آن و به خصوص واکنش همسایگانش را تحمل کند». به عبارت واضحتر، مساله بر سر واکنش پاکستان است. افسر کریم در ادامه می‌گوید که هند باید ببیند که آیا دوستی عمیق با افغانستان چه اندازه می‌تواند برایش اهمیت داشته باشد.

منافع پاکستان و چین

قمر آغا، از دانشگاه جامعه ملی اسلامی در دهلی جدید در این ارتباط به تغییر حکومت در پاکستان اشاره می‌کند. به گفته او به این ترتیب، فرصت هایی برای بهبود روابط میان دو قدرت اتومی آسیای جنوبی ایجاد می‌شود: «نواز شریف تأکید کرده است که روی خوش به هندوستان نشان می‌دهد. وضعیت در پاکستان خراب است. شریف باید چرخ اقتصاد را به جریان بیاندازد و می‌خواهد تجارت با هند را گسترش دهد.»

او می‌گوید که هندوستان آگاهانه هیچگاه فعالیت نظامی در افغانستان نداشته، بلکه صرف در آموزش نیروهای امنیتی و بازسازی کمک کرده تا کشیده‌گی‌های منطقه‌یی بیشتری را تحریک نکند.



بکتاش سیاوش:

آجندای ملی طرحی جامع برای رهایی از بحران و چالش‌های کنونی است



آقای سیاوش با سپاس از این‌که آمادهٔ گفت‌وگوی ویژه با روزنامهٔ ماندگار شدید. نخست از شما در بارهٔ وضعیت جاری در کشور می‌پرسم. وضعیت را در حال حاضر چگونه می‌بینید؟

من فکر می‌کنم که وضعیت کنونی کشور در نتیجهٔ رهبری ناسالم دولت یعنی هر سه قوه، در یک بن‌بست اعلام نشده قرار گرفته است؛ حالا با توجه به این وضعیت، حکومت هم نمی‌تواند کاری کند و جامعهٔ جهانی هم کاملاً در افغانستان درمانده شده است.

نیروهای نانو آرام‌آرام بار سفر را می‌بندند، آن‌ها در فکر رفتن از کشور هستند. از سوی دیگر، با گذشت هر روز فشار طالبان هم بر دولت بیشتر می‌شود، آن‌ها از یک طرف آمادهٔ صلح و حتا شرکت در انتخابات می‌شوند؛ اما از جانب دیگر، جان شهروندان بی‌گناه ما را می‌گیرند و انتحار می‌کنند. ما در وضعیت دشوار قرار گرفتیم، این بن‌بست خاموش و پیش از توفان است.

دو رویداد مهم پیش‌روی مردم قرار دارد؛ انتخابات ریاست‌جمهوری و خروج نیروهای خارجی. پس از خروج نیروهای خارجی وضعیت چگونه خواهد شد؟

باور من این است پس از ۲۰۱۴ رنگو بوی جنگ در افغانستان تغییر خواهد کرد و این جنگ از مشروعیت نیروهای بین‌المللی به جنگ امریکایی تقلیل خواهد یافت. تنها نیروهایی که در کشور باقی خواهند ماند، نیروهای امریکایی خواهند بود؛ آن‌ها هم در برخی از پایگاه‌ها می‌مانند و کشورهای دیگر عضو ناتو از افغانستان خارج می‌شوند. حالا نگرانی این است در شرایطی که ما حمایت بیش از چهل کشور را داشتیم و سازمان ملل هم از افغانستان حمایت می‌کرد، نتوانستیم از حضور گستردهٔ نیروهای بین‌المللی به نفع خود استفادهٔ درست کنیم؛ اگر امریکایی‌ها به تنهایی در افغانستان بمانند، کشورهای همسایه و رقیب واکنش، حضور آن‌ها را با اتحاد جماهیر شوروی مقایسه خواهند نمود.

آیا ما شاهد یک انتخابات دموکراتیک در سال ۲۰۱۴ خواهیم بود. آیا ما می‌توانیم یک زعیم و رهبر درست برای نجات کشور برگزینیم. در کل آینده را چطور می‌بینید؟

اگر مردم بتوانند رهبر و زعیم ملی خود را در انتخابات پیش‌رو برگزینند، نیازمندی ما روز تا روز به جامعهٔ جهانی کم‌تر خواهد شد. اگر پس از ۲۰۱۴ نظام قبیله‌یی و خانواده‌گی دوام کند و کرزی بازم پافشاری مانند در قدرت را کند، یا یکی از اعضای خانواده‌اش را به قدرت برساند و جهان هم به نحوی چراغ سبز نشان بدهد، آینده را به شدت هم به دنیا و هم برای مردم وحشتناک می‌بینم. ولی امیدوارم دنیا درک کرده باشد که فصل نظام حاکم در افغانستان به پایان رسیده است و هم خود مسوولان نظام حاکم، باید زمینه را برای مردم مساعد بسازند که خود مردم قدرت را به دست بگیرند.

جناب سیاوش بیش از یک دهه است که دولت در یک مسیر مشخص گام بر نداشته است، یعنی در یک سر درگمی به سر می‌برد؛ این سر درگمی ناشی از چیست؟

در این ده سال در رأس نظام آقای کرزی قرار داشت و او علاقه‌مند رهبری یک نظام شخصی بود. اگر بحث صلح با طالبان پیش می‌آید او تلاش می‌کند که این بازی‌های سیاسی طوری به نتیجه برسد که در آن کرزی قهرمان باشد. اگر بحث مجادله با نیروهای خارجی به میان می‌آید، باز هم می‌بینیم که رییس‌جمهور خودش را پیش می‌کشد. آسیب کلانی که در ده سال گذشته دولت ما را به ناکامی مواجه کرد، این است که حامد کرزی به یک اجماع ملی باور ندارد. او به یک ساختاری باور ندارد که در آن تمام اقوام، گروه‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی خود را ببینند.

در تمام قالب‌ها یک چیز به فکر آقای کرزی می‌آید و آن خودش است؛ اگر بحث صلح هم به میان می‌آید، باید قهرمانش کرزی باشد و اگر پارلمان از پا در بیاید و ناکارآمد شود، باید قهرمانش او باشد. اگر فساد است باید وی به مردم نشان دهد که این فساد را دیگران به میان آورده‌اند.

حامدکرزی در فکر قهرمان‌سازی خودش است و این قهرمان‌سازی‌ها، فرصت‌های بزرگ را از ما گرفت.

جناب سیاوش! شما گفتید که حامدکرزی می‌خواهد از خود یک قهرمان بسازد، آیا شما فکر نمی‌کنید چهرهٔ نقابین رییس‌جمهور نزد مردم افشا شده است؟

چند استراتژی را حامد کرزی پیش گرفته است که از آن طریق می‌خواهد خود را تبری کند:

نخست: نیروهای بین‌المللی را در افغانستان حامد کرزی آورده است؛ نیروهای بین‌المللی هم آقای کرزی را آورده‌اند. حالا جالب است که او در واپسین روزهای عمر حکومتش می‌خواهد خود را به مردم یک چهرهٔ ضد غربی نشان بدهد. او در گفت‌وگوهایش چهرهٔ ضد غربی می‌گیرد و می‌گوید: اگر امریکا فلان کار را کرد، اشغال‌گر است و... چون او می‌داند که این مسأله در بعضی از مناطق کشور مصرف داخلی دارد، به

ویژه مناطق جنوبی. وی با این ترند می‌خواهد به مردم نشان دهد که من باور دارم نیروهای امریکایی اشغالگر است، ولی چیزی از دستم بر نمی‌آید. آقای کرزی با این کارش می‌خواهد توجه و رضایت مردم مناطق جنوبی را به خود جلب کند.

مسألهٔ دیگر، حساسیت مردم افغانستان در برابر پاکستان است. باتوجه به این، در شرایط حساس و دشوار، آقای کرزی مسألهٔ دیورند را مطرح می‌کند که من خط دیورند را به رسمیت نمی‌شناسم و نیز هشدار می‌دهد که پاکستان باید خود را اصلاح کند. حتا این کار آقای کرزی باعث شد، شماری از منتقدان نظام هم آماده شوند که گذشتهٔ سیاه و ننگین او را پشت سر بگذارند و در کنارش بیایستند. اما وقتی حکومت جدید در پاکستان به صحنه می‌آید، آقای کرزی پیش از اعلان نتایج رسمی انتخابات این کشور، به نواز شریف تبریکی می‌دهد.

عمران خان چندی پیش گفت: آقای کرزی دیورند را به رسمیت نمی‌شناسد؟! او نان و برق را از امریکایی‌ها گدایی می‌کند، حالا می‌خواهد یک بخشی از پاکستان را از خود بسازد که هم نان دارد، هم آب و هم برق، عمران خان افزود: اگر گدا را بالا از خود بنشانید، دعوی خدایی می‌کند. حالا ما کرزی را فرصت داده‌ایم و او دعوا دارد که خاک ما را بگیرد. در کل، رییس‌جمهور تلاش دارد خودش را برانت تاریخی دهد. ولی ابزارهایی را که او برگزیده، ابزاری نیست که بتواند آقای کرزی را از وضعیت فعلی نجات دهد.

آقای کرزی در برابر تمام ناهنجاری‌های موجود مسوول درجه اول است، او باید پاسخ‌گو باشد.

اشاره به پاکستان داشتید، این کشور همواره به گونهٔ آشکار از شبکهٔ القاعده و طالبان حمایت کرده است. ولی دولت افغانستان سال‌ها در برابر عملکرد آن‌ها سکوت اختیار کرده بود. در کل پاکستانی‌ها با این سیاستی که در پیش گرفته‌اند، از افغانستان چه می‌خواهند؟

پاکستان چیزی را که از افغانستان می‌خواست، در سه دههٔ پسین به دست آورده است. دولت افغانستان باید با استفاده از این فرصت تاریخی و حضور جامعهٔ جهانی برخی از مسایل مورد منازعه را با پاکستان یک‌طرفه می‌کرد. ما می‌گوییم که خط دیورند را به رسمیت نمی‌شناسیم، در حالی‌که برای رفتن به پشاور به پاسپورت نیاز داریم، وقتی با پاسپورت وارد پشاور می‌شویم، این نشان می‌دهد که ما خط دیورند را به رسمیت شناخته‌ایم.

منطق این است که ما در این معضل تاریخی پای جامعهٔ جهانی را بکشیم؛ اگر پاکستان آماده نیست این خاک را دوباره به مردم افغانستان دهد، ما باید در جست‌وجوی یک بدیل باشیم. در این صورت بهترین گزینه همان طرح سردار محمد داوود خان است که گفته بود در عوض این خاک، یک مسیر ترانزیتی به بحر برای افغانستان داده شود.

تقاضای ما باید از جامعه جهانی این باشد که افغانستان یک کشور محاط به خشکه است، این کشور به یک راه بحری نیاز دارد؛ پاکستان باید در برابر خط دیورند یک راه بحری به افغانستان باز کند که تقاضای مردم افغانستان با موجودیت و پا درمیانی جامعهٔ جهانی تحقق‌پذیر است. اگر لجاجت کنیم چیزی به دست نمی‌آوریم، در سیاست با برخورد لجویانه هم چیز از دست می‌رود.

رهبران سیاسی و شخصیت‌های ملی در شرایط کنونی، با توجه به بن‌بستی که شما به آن اشاره کردید، چه نقشی را می‌توانند ایفا کنند؟

مسوولیت کلان تاریخی آن‌ها این است که از فردگرایی و تکروی خود را منسجم‌تر بسازند در محور یک خط فکری و یک اجماع ملی جمع شوند، تا افغانستان را از وضعیت

نظام‌های استبدادی را براندازند و دیکتاتورها را از قدرت به زیر بکشند.

انتخابات پیش‌رو و سرنوشت مردم، باید با رأی و حضور گستردهٔ نسل دانشگاهی و جوانان رقم بخورد؛ باید رهبران سیاسی از این نیرو و قدرت دست نخورده استفاده کنند و نقش بیشتر برای آنان داده شود، تا نسل جوان در مورد سرنوشت خود و مردم خویش تصمیم بگیرند.

در این اواخر وضعیت امنیتی به گونهٔ سازمان‌یافته وخیم شده است. به ویژه وضعیت شمال به شدت نگران‌کننده است. شما چه فکر می‌کنید پشت سر این ناامنی‌ها کیست و چرا وضعیت روز به روز خراب می‌شود؟

بدون شک دست‌هایی در کار است. نظام حاکم در این ناامنی‌ها دست دارد. از دولت توقع می‌رفت که باید تمام مناطق کشور را امن بسازد، ولی برخلاف در درون این نظام توطیه‌هایی در جریان است. حتا مناطق امن ما را ناامن می‌سازند، این کاملاً دقیق است. بحران‌زایی از درون سازمان‌دهی می‌شود، امروز در مناطق امنی مثل بدخشان، مخالفان مسلح حضور گسترده دارند و این، پرسش بر انگیز است.

دولت می‌خواهد مناطقی را که ساحة نفوذ اپوزیسیون سیاسی است، به نحوی ناامن جلوه دهد. آن‌ها رعب و وحشت را عمداً راه‌اندازی می‌کنند، تا مردم نتوانند به پای صندوق‌های رأی بروند. دولت شاید مناطق دیگری را تا رسیدن انتخابات بدامن بسازد. رهبری دولت در مناطقی که رأی ندارد، از همین اکنون اوضاع را متشنج ساخته تا زمینهٔ حضور مردم به پای صندوق‌های رأی فراهم نشود.

بلی تلاش کلی این است که انتخابات سبوتاژ شود. در قانون اساسی آمده است: باید انتخابات سراسری برگزار شود. تیم حاکم شاید به بهانهٔ ناامنی‌ها انتخابات را بر گزار نکند؛ اما اگر جامعهٔ جهانی بر دولت فشار وارد کند، انتخابات برگزار می‌شود، در این صورت گزینهٔ بعدی ناامن‌سازی حوزه‌های رأی‌دهی است. یعنی در گام اول سبوتاژ انتخابات و در گام بعدی ناامن‌سازی برخی مناطق، جزء برنامهٔ دولت خواهد بود.

شماری از رهبران سیاسی به ویژه آقای احمد ولی مسعود، طرح اجندای ملی را از چند سال بدین‌سو برای خروج از بن‌بست کنونی مطرح کرده است. به باور شما با توجه به چالش‌های موجود، این طرح چه قدر می‌تواند مؤثر و عملی برای رهایی از بحران موجود باشد؟

تا جایی‌که من رسالهٔ آجندای ملی را مطالعه کردم، طرح آقای احمد ولی مسعود یک طرح جامع و کلی برای رهایی از بحران و چالش‌های موجود در کشور است. اما باید این طرح با تمام مهرها و چهره‌های ملی و مطرح کشور شریک ساخته شود. در ضمن این طرح باید در یک همایش بزرگ به همه‌پرسی گذاشته شود و تمام نخبه‌ها و کسانی که حرفی برای گفتن دارند، دیدگاه‌ها و آسیب شناسی شان را در آن شریک سازند تا این طرح فریبه‌تر شده و به غنمندی بیشتری برسد. باور من این است که این طرح بسیار خوبی در شرایط فعلی افغانستان است؛ اما شرط اساسی این است که این طرح به یک اجماع کلان‌تر برسد و دیدگاه‌ها و نقد و نظر نخبگان سیاسی در آن در نظر گرفته شود. در کل طرح آجندای ملی رویکرد مناسب برای عبور از بحران کنونی افغانستان است.

به نظر شما راه عبور از بحران کنونی چیست؟

راه عبور از بحران فعلی بسته‌گی به چند گزینه دارد:

یک: برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه و به دور از تقلب.

دوم: تعویض چهره‌های تکراری و تغییر نظام حاکم یگانه راه عبور از بحران کنونی کشور است. ما با در نظرداشت این دو گزینه می‌توانیم از چالش‌های خطرناک موجود عبور کنیم و تنها چیزی‌که مردم افغانستان را به صلح و امنیت می‌رساند گزینش یک زعیم ملی، آن‌هم از طریق انتخابات عادلانه است.

ما در این دو صورت در یک وضعیت مطلوب قرار می‌گیریم. یکی از دلایلی که نظام حاکم نتوانست ریشه‌هایش را در میان مردم عمیق‌تر بسازد و از حمایت و پشتوانهٔ مردمی برخوردار باشد این بود که این نظام نه ملی بود و نه مشروع. باید انتخابات بعدی این دو خلا را پر کند و مشروعیت و مقبولیت داشته باشد.

عامل اصلی بحران کنونی کیست؟ چه کسی در هرج مرج کنونی مقصر اول است؟

عامل اصلی بحران کنونی کسانی هستند که بیش از یک دهه در رأس نظام بوده‌اند. بحران را آنانی به وجود آورده‌اند که در ده سال در فکر تأمین منافع فردی، قومی و گروهی خویش بوده‌اند. در رأس این گروه‌ها و حلقه‌های بحران‌زا آقای کرزی قرار دارد.

به عنوان پرسش آخر، چه‌گونه می‌توانیم به صلح پایدار برسیم؟

صلح در برابر گروه‌های مسلح زمانی امکان‌پذیر است که نخست با یک اقتدار وارد گفت‌وگو شویم. من فکر می‌کنم که صلح پایدار در افغانستان با کنارآمدن با طالب و حزب اسلامی نمی‌آید. اگر ما این دو جریان را هم شریک قدرت بسازیم، باز هم صلح به میان نمی‌آید.

اگر دولت می‌خواهد صلح پایدار در کشور به میان بیاید، طرف روشن است و آن پاکستان است. باید گفت‌وگوهای مستقیم و رو در رو با پاکستان با حضور و نظارت جامعهٔ جهانی آغاز شود. همان طوری‌که سازمان ملل میزبان گفت‌وگوها، میان فلسطین و اسرائیل بود، همین گونه بحران در افغانستان وجود دارد. باید کشورهای منطقه گفت‌وگو میان افغانستان و پاکستان را میزبانی و نظارت کنند؛ تنها در این صورت صلح پایدار در کشور به میان خواهد آمد.

Mandegar

نتیجه وعده‌های تان چه شد؟

(نامه سرگشاده پدر شهید جنرال مولانا شاه جهان نوری به رییس جمهور)



جناب رییس جمهور! در آستانه فرا رسیدن هفتم جوزا قرار داریم و شکوه من، درباره آن عصر خونین تالقان و ترور فرزانه فرزند و جگرگوشه ام شهید مولانا شاه جهان نوری و هم‌سنگر عزیزش، شهید جنرال محمد داوود است که به قول جناب شما: «شجاعانه علیه تروریسم جهانی رزمیدند و احساس بلند وطن‌دوستی و خدمت‌گزاری به ملت افغانستان را داشتند».

نمونه‌یی از جان‌باخته‌گان کاروانی که در جهاد علیه کمونیسم، مقاومت علیه تروریسم و در دفاع از دولت فعلی و مبارزه برای تأمین صلح و ثبات و عدالت، آزادی و توسعه و رفاه و پیشرفت این ملت؛ نقش انسانی، ایمانی و میهنی خودشان را فراتر از مرزهای سمت‌و‌قوم و ولایت، به این کشور ادا کردند و بزرگ‌ترین حق را به گردن مردم متعهد و صادق به این کشور دارند.

هرچند در آن روزها واکنش مردم شهیددوست ما به اندازه‌یی زیبا و پرحرارت بود که گمان نکنم تاریخ بتواند آن را فراموش کند، اما باید پرسید که دولت در پیوند با این قضیه چه کرد؟... بله هیأتی تشکیل داد که به محل وقوع حادثه رفت و برگشت اما چیزی از نتیجه کار خود به مردم نگفت و گمان کرد آن‌ها (مردم) این رویداد اندوه‌بار را فراموش خواهند کرد.

این جانب به حیث پدر شهید نوری به تاسی از وعده رییس جمهور، معاون اول ریاست‌جمهوری، وزیر امور داخله، والی تخار و ریاست عمومی امنیت ملی به شمول

ریاست امنیت ملی تخار مبنی بر پی‌گیری پرونده شهدای هفتم جوزا، از همه آن‌ها می‌پرسم: نتیجه وعده‌های تان چه شد؟

این درست است که طالبان، آی.اس.آی یا منابعی دیگر، طراح این حادثه بودند، ولی پرسش‌های اساسی این است که:

۱. این ماین در کجا ساخته شد؟ ماین‌گذار کی بود، خارجی بود یا داخلی؟ در خانه چه کسی نگاه‌داری شد؟ و ماین را چه‌گونه و به کجای کی وارد ساختمان ولایت کرد؟

۲. فعالیت هیأت موظف به تحقیق روی پرونده شهدای هفتم جوزا به ریاست فتح‌خان معاون نظامی لوی سارنوالی، چه بوده و چه نتیجه‌یی داده است؟

۳. ریاست امنیت ملی تخار و پس از آن، ریاست عمومی امنیت ملی در ماه دلو ۱۳۹۱ ادعا کردند که ما افرادی را نسبت به این قضیه گرفتار کرده‌ایم، آن‌ها... ادامه صفحه ۶

سفیر مسکو در کابل: روسیه باید به مرز تاجیکستان - افغانستان بازگردد

سفیر روسیه در کابل با اظهار نگرانی از پیامدهای خروج نیروهای ناتو از افغانستان، یک بار دیگر تأکید کرد: مسکو مسأله بازگشت مرزبانان روسیه به مرز تاجیکستان با افغانستان را بررسی می‌کند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، آندره اوتسین سفیر روسیه در افغانستان گفت که مسکو نگران پیامدهای خروج نیروهای ناتو از افغانستان است و مسأله بازگشت مرزبانان این کشور به مرز تاجیکستان و افغانستان را بررسی می‌کند.

آندره اوتسین گفت: مسکو معتقد است که افزایش انتقال مواد مخدر و افراط‌گرایی پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان، کشورهای آسیای مرکزی را تهدید می‌کند.

وی تصریح کرد که برای پیشگیری از این تهدیدات روسیه برای همکاری با کشورهای... ادامه صفحه ۶



با بلند شدن آفتاب ستاره‌ها نا پدید میشوند

When Sun Rises the Stars Disappear

رادیو آموزگار 101.3FM

نشرات رادیو آموزگار در کابل و ولایات مرکزی افغانستان

Contact Us:

info@amuzgarfm.com
www.amuzgarfm.com

+93 (0) 772929111

+93 (0) 799 879 879

کنفرانس اجندای ملی

ریفورم سیاسی و ایجاد صلح پایدار در افغانستان

با در نظر داشت اوضاع جاری در افغانستان و نزدیک شدن سال ۱۳۹۳ / ۲۰۱۴ زمان خروج نیروهای بین‌المللی از کشور، و به منظور بهبود روند جاری در افغانستان، بنیاد شهید احمدشاه مسعود بنا بر مسوولیت ملی خویش و به سلسله تلاش‌های پیگیرش، به‌هدف ایجاد نزدیکی و تفاهم میان نخبگان کشور در محور یک اجندای ملی، تدویر یک نشست بین‌الافغانی را در نظر دارد. بدین منظور، از همه نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور که به‌خاطر جستجوی راه‌حل ملی تلاش فراوان داشته‌اند، ارادتمندانه تقاضا داریم که از اشتراک و سهم‌گیری خویش در این نشست، دفتر مرکزی بنیاد شهید مسعود را قبلاً اطلاع دهند.

دفتر مرکزی بنیاد شهید احمدشاه مسعود

ایمیل و شماره‌های تماس:

awmasoud@hotmail.co.uk - ۰۷۰۰۰۵۰۰۰۰

rowzana@yahoo.com - ۰۷۰۰۲۷۷۷۸۱

mandegar.daily@gmail.com - ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰

۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲

ابن سینا؛ خرد و خود باوری

موسسه تحصیلات عالی ابن سینا

افتخار دارد دوره

ماستری روابط بین الملل

- را برای داوطلبان با ویژگی‌ها و امتیازات ذیل بر گزار نمائید:
- کادر علمی متخصص با سابقه تدریس دوره ماستری در دانشگاه‌های داخلی و خارجی
 - اعتبار و پشتوانه علمی استاتید با مدارک دکتری تخصصی مرتبط با رشته
 - کتابخانه تخصصی با منابع غنی شامل کتاب، مجلات، مقالات و گزارش‌های پژوهشی
 - امکانات مناسب آموزشی
 - گزینش علمی مناسب با پذیرش محدود
 - فیس مناسب تحصیلی (هر سمستر ۵۰۰۰۰ افغانی)

ثبت نام همه روزه از تاریخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ ساعت ۸ صبح الی ۵ بعد از ظهر دفتر روابط عمومی

تلفن: ۰۷۹۳۴۰۷۰۷۰

نشانی: کارته چهار، روبه‌روی مکتب متوسطه سید جمال الدین افغان، موسسه تحصیلات عالی ابن سینا



روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر

شش ماهه - ۲۰۰ دالر

نه ماهه - ۳۰۰ دالر

یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر

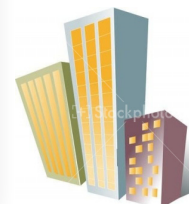
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی

شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی

یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - +۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵